

## مدارس طبیعت کودکانی عاشق تربیت می‌کنند

## زنگ طبیعت

مدارس طبیعت می‌توانند بدون تخریب محیط زیست یک و نیم میلیون شغل ایجاد کنند

به نسلی نیاز داریم که بر سر مواهب طبیعی معامله نکنند



عکس‌ها: نسیم نصیری / شهروند

تسهیلگرانی آموزش دیده که بدانند این مدارس قرار است چه کنند، همان‌طور که خیلی از آشنایان با این شیوه آموزشی می‌گویند قرار بر این است که کودکان بازی و تجربه کنند و فقط کسی از دور مراقبشان باشد. قرار بر آموزش رسمی با سرفصل‌های مشخص نیست. آهنگر می‌گوید اگر آنچه ما از آموزش در نظر داریم، خواندن و نوشتن و حساب باشد، در مدرسه به دست می‌آید، اما یادگیری مسأله‌های دیگر است: «آمار بی‌سوادی در کشور ما خیلی کم است، ۸۸ درصد مردم باسواد هستند، ولی سرانه مطالعه هر ایرانی خیلی کم است. این اتفاق در مدرسه نمی‌افتد. مدرسه طبیعت می‌خواهد به نیازهای واقعی و حقیقی کودک پاسخ بدهد.»

مربی‌ان در مدرسه طبیعت تسهیلگرند. این مدارس لیستی از این مهارت‌ها ندارند که براساس آن خواهند طرح درسی تهیه کنند، زیرا هر کودک یک موجود منحصر به فرد است. آنها سعی می‌کنند بستر و محیط یادگیری را غنی کنند: «به لحاظ طبیعی با فضای طبیعی، گیاهان، گوناگون، آزمایشگاه، محیط کشاورزی، مزرعه و مهارت‌های فنی مثل نجاری و بنایی، همچنین فعالیت‌های فرهنگی و هنری مثل کتابخوانی و تئاتر باشد. چیزی را هدف‌گذاری نمی‌کنیم. کاری که کودک در این مدارس می‌کند، بازی است، کاری که از طریق آن یاد می‌گیرد.»

مدارس طبیعت بسته به هر اقلیم و فرهنگ متفاوتند، اما در همایش‌هایی درباره یافته‌ها و تجربیات‌شان با هم مشارکت دارند. آنها در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی نیز با هم تبادل نظر دارند و تجربیات‌شان را درباره کودک و طبیعت به اشتراک می‌گذارند. به تازگی نیز هماهنگی در دانشگاه شهید رجایی تهران با حضور مسئولان مدارس طبیعت برگزار شده و بعضی ناشران هم به چاپ کتاب‌هایی در این زمینه روی آورده‌اند.

امروز طبیعت ایران مشکلات زیادی دارد، بحران‌های مختلفی که گریبان طبیعت گیاهی و جانوری را گرفته و شرایط را روز به روز برای زندگی انسان‌ها سخت می‌کند. اگر نگرانی‌های فعالان محیط زیست نباشد و جامعه مدنی تلاش نکند تا محیط زیست را مدام به مسئولان کشور یادآوری کند، معلوم نیست کودکان آینده چه خاتمه‌ای از محیط زیست و طبیعت ایران داشته باشند. کودکان مدارس طبیعت شاید از وضع محیط زیست در ایران بی‌خبر باشند. رویکرد کلی این است که نباید کودک را با اخبار ناگوار مواجه کرد و مثلاً به او از وضع بحرانی آب در کشور گفت.

آنها باید طبیعت را تجربه و محیط زیست را درک کنند. این به گفته آهنگر یک کار تدریجی است: «زمانی می‌توانید از پدیده‌های حفاظت کنید که عاشق باشید. کسی فقط با آموزش دیدن حافظ و عاشق چیزی نمی‌شود، اینها در کودکی اتفاق می‌افتد. مدرسه طبیعت از طریق فراهم کردن بستر تجربه و ایجاد خاطر در طبیعت به اهداف محیط زیستی خود می‌رسد. کودکان از سن بالای ۱۲ سال آموزش هم می‌بینند و این آموزش با عشق به طبیعت ترکیب می‌شود تا در نهایت از آنها شهروندان حافظ محیط زیست بسازد.»

کودکان نمری ندارد. مطابق آمار، بیش از ۸۰ درصد آنچه افراد با سپری کردن نظام آموزشی آموخته‌اند، خارج از فضای کلاس درس و کتاب درسی است. درحالی که دانش‌آموزان تنها دقایق محدودی خارج از فضای کلاس هستند، یعنی بیشترین تجربه‌های مفید در زنگ‌های تفریح و میان بازی و در تعاملات طبیعی آموخته شده است. تجربه گذشت و بردباری، نحوه برقراری ارتباط با افراد گوناگون و هزاران تجربه دیگر، مدرسه طبیعت این بخش را اصل قرار داده است.

شالوده نظام آموزشی رایج با اضطراب و ترس پیوند خورده است. کیست که نداند، اضطراب در تضاد کامل با یادگیری است؟ هنوز کسی تصویری کامل از ابعاد ظلمات و خسارت‌های این نظام آموزشی بر ناخودآگاه ذهن و روان کودکان ندارد. هنگامی که طبیعت، به‌عنوان بزرگترین منبع آرامش، بستر آموزش شود، می‌توان امید بستن به شیوه دیگر روش‌ها قرین موفقیت باشد. کودکی که به جای دریافت اضطراب از محیط بسته، آزاد و ره‌ها از طبیعت آرامش دریافت کند، تجربه‌های جادوئی خواهد داشت و نسلی را خواهد ساخت که بیگانه با طبیعت، به جنگ آن نخواهد شتافت. انسان جدا مانده از طبیعت، برای دقایق محدودی از زندگی خود هم که به طبیعت پناه می‌برد، ره‌ها ناسازگاری دارد و هم تخریب طبیعت. ناسازگاری‌های نسل کنونی از سرما و گرما آغاز می‌شود و به انواع لرزی در اثر قرار گرفتن در طبیعت منتهی می‌شود. صدمات نیز از انواع آلودگی‌های محیطی از آب و زمین تا هوا، شروع و تا نکاشتند درخت ادامه می‌یابد. نسلی که در مدرسه طبیعت دانش تجربه‌ی مورد نیاز خود را آموخته است، نه طبیعت را دشمن خود می‌بیند، نه بیگانه، او ناخودآگاه، طبیعت را در میان صمیمی‌ترین دوستان خود برمی‌شمارد و محبت دو طرفه میان خود و دوستش را لمس می‌کند. کودکی که در طبیعت بالنده شده است، در جوانی دایره ذهنی‌اش از مشاغل، بسیار فراخ‌تر از جوان امروزی است. او آفریننده شغل‌های سازگار با محیط طبیعی زیستن انسان است. او می‌تواند زمین، این بزرگترین هدیه الهی را شکوفا کند. چنین انسانی، مفهوم فساد را به خوبی درک می‌کند، زیرا زندگی در طبیعت به او آموخته است تا مانع شکوفایی هیچ چیزی از هستی نشود.

دانش نوین مدیریت، در کشف عوامل ایجاد انگیزه، اجبار و تشویق را مردود می‌داند. بهره‌مندی از این دستاورد، در نظام آموزشی، رکن مهمی است که در مدرسه طبیعت جلوه‌گر می‌شود. درحقیقت، انگیزش درونی، طبیعی‌ترین نوع انگیزه است که به کودک آموخته می‌شود. مهمترین نکته انطباقی ایده مدرسه طبیعت با دنیای معرفت آن است که هر دو برای شکوفایی خلایق در وجود کودکان، قابل به‌وانه‌اند و ره‌های هستند. برخلاف نظریه‌هایی که انباشت اطلاعات را عامل شکوفایی خلایق می‌دانند، فرد خلاق با آفرینشگر، در واکاوی درونی خود و هستی به شهود معرفتی و شکوفایی آفرینندگی دست خواهد یافت.

کنار کودکان هم‌سن و غیر هم‌سن خود با جهان مواجه شد. به گفته عارف آهنگر در هیچ جای تاریخ این چند میلیون سال تکامل کودک چیزی به نام آموزش به‌عنوان اطلاعات پکیج‌شده نمی‌بینید، اما به جایش یادگیری می‌بینید: «راه‌ها و ابزارهای یادگیری در طول این سالیان متناسب با نیاز و پروژه سازگاری شکل گرفت. کودکان ابزارهایی برای یادگیری دارند و با تقلید، مشاهده‌گری، کنجکاوی و کاوش آنچه نیاز دارند، یاد می‌گیرند. سرک کشیدن یک عادت دیرینه و قدیمی است که کودک انسان بوم و محیط خود

یک‌نیم میلیون شغل ایجاد کنند، بدون این که هوا و آب را نابود کنند. این مدارس می‌توانند نسلی را پرورش دهند که نادیده و به پنهان توسعه صنایع مخرب محیط زیست را معامله نکنند. اگر خود رئیس محیط زیست در مدرسه طبیعت درس خوانده بود، شاید چنین تصمیمی نمی‌گرفت.»

**خاطره‌سازی برای کودکان در طبیعت**  
مدیر یکی از مدارس طبیعت می‌گوید برای یک سابقه‌میلیون ساله کودک انسان، معلمی جز طبیعت نداشت و از زمانی هم که توانست راه‌سرواز از طریق تجربه و محیط طبیعی و در

حمایت از محیط زیست می‌گذرد. او به گفته‌های رئیس جمهوری اشاره می‌کند که در سازمان محیط زیست جدید یک‌سری از پروژه‌ها آزاد شده‌اند: «رئیس جمهوری گفت ما رئیس قبلی سازمان محیط زیست را عوض کردیم، چون سخت‌گیری می‌کرد و رئیس جدید یک‌سری از پروژه‌ها را آزاد و ۱۷۶ هزار فرصت شغلی ایجاد کرد. آقای رئیس جمهوری که دولت خود را یک دولت محیط زیستی می‌دانست در نهایت برای ۱۷۶ هزار شغل با این پروژه‌ها موافقت کرد. درحالی که مدارس طبیعت می‌گویند می‌توانند

مدارس طبیعت هر چند در انتشار ایده‌شان موفق باشند، جمعیت خیلی کمی از کودکان را دربرمی‌گیرند. همه کودکان این امکان را ندارند که از این شیوه آموزشی بهره‌مند شوند و این مسأله‌های است که مسئولان آموزش و پرورش باید به آن توجه کنند: «جامعه امروز به شدت نیاز به تحول نظام آموزش و پرورش دارد. هوشمندی مدیران کنونی است که تشخیص دهند چرا اولویت نخست بسط پندارینه‌های مدارس طبیعت است. ۷۰ مدرسه در ۲۹ استان دستاورد بزرگی است، ولی اگر قرار است گسترش شتابناک‌تری پیدا کند، باید نمایندگان مجلس، دولت، آموزش و پرورش و شهردار-ها به میدان بیایند و توانیم با جرأت آنها را ترویج کنیم.»

محمد درویش می‌گوید اگر می‌خواهیم با مشکلات استداده‌ای که طبیعت ایران با آنها روبرو است مقابله کنیم، نیاز به نسلی داریم که بر سر مواهب طبیعی معامله و از پروژه محیط زیست‌رسانی حمایت کنند. نسلی که درک کند راه تولید پایدار و کیفیت از مسیر

## مهدی نیرومیش | «دکتر عبدالحسین وهاب‌زاده»

با سابقه بیش از ۴۰ سال تدریس بوم‌شناسی و علوم زیستی در دانشگاه‌ها و صاحب‌نظر محیط زیست، چندسال پیش «مدرسه طبیعت» را تأسیس کرد، به نحوی که اکنون ده‌ها شعبه آن در سراسر کشور مشغول فعالیت هستند. همانند راه ایده نوین، «مدرسه طبیعت» هم مخالفانی دارد که هنوز تفکیکی میان پیشرفت بشری و دوری از طبیعت قابل نیستند. حرمت به طبیعت به‌عنوان خاستگاه علم و هنر و خلاقیت بشری و حرمت به کودکان با رها کردن‌شان در طبیعت، زمینه درک و معرفت جهان هستی است.

معرفت بشری تنها با چند پرسش کلیدی آغاز شد. این که «من کی هستم؟»، «از کجا آمده‌ام؟»، «برای چه آمده‌ام؟» و «به کجا می‌روم؟»

اگر بپذیریم، مشکل بشریت، نرسیدن این پرسش‌ها و فقدان اشتیاق برای یافتن پاسخ آنهاست و بپذیریم بالاترین آموختن، بی‌بردن به حقیقتی است که در جست‌وجوی پاسخ این پرسش‌ها درک خواهیم کرد، باید بپذیریم، بهترین موقعیت برای این پرسش و پاسخ، طبیعت است. واضح است، برای کودکی که تنها در یک دشت، بیابان، کوه، ساحل دریا و جنگل، آزاد و ره‌ها به خویش و هستی می‌اندیشد، این پرسش‌ها بسیار پر معناتر است تا برای کودکی که بیشتر عمر خود را میان سقف‌ها و دیوارها زیست است.

کودکی که شاهد زیست جانوران و گیاهان و تغییرات زمین و آسمان است، عمیق‌تر به نقش خویش در هستی خواهد اندیشید و کیفیت برتری از زندگی را تجربه خواهد کرد. در قانون «هر کسی کلو دور ماند از اصل خویش، باز جوید روزگار وصل خویش»، نخستین بازیابی اصل، بازگشت به طبیعت به‌عنوان خاستگاه بدن انسان است. این بازگشت، تسهیل‌کننده و ریشه بازیابی و جست‌وجوی ما برای یافتن حقیقت وجودی‌مان خواهد بود. از این‌رو، مدرسه طبیعت، مقدمه مدرسه معرفت است.

آموزش رسمی در کشور به دور از واقعیت‌های علمی است. کودکان ما حفظ می‌کنند که دانشمندان در پس تجربه‌های واقعی، چه کشف کرده‌اند. درحالی که بدون تجربه علمی، امکان دستیابی به حقیقت رخدادها وجود ندارد. آنچه کودکان می‌آموزند، همان دانایی است که مانع معرفت عملی و سیر تکامل وجود می‌شود. چنین آموزشی به جای شکوفایی، سبب قفل ذهنی می‌شود. اگر هدف از چنین نظام آموزشی، نخبه‌پروری بود، باید تاکنون متوجه می‌شد که در مسیر عکس گام برمی‌دارد. به نظر می‌رسد طراحی نظام آموزشی کشور براساس نگهداری از کودکان و نوجوانان با حداقل هزینه و عوارض است. از همین‌رو حافظه کودکان را چنان انباشته می‌کنند که جایی برای اندیشه دیگر نباشد.



برای کسب معرفت، تنها شرط، اشتیاق است. اگر اشتیاق وجود داشته باشد، سالک پرده‌های فراق‌فاده بر حقایق را پاره خواهد کرد. آموختن وجد و شوق می‌طلبد و اگر یک نظام آموزشی، پایه‌های خود را بر بنیان استوار ذوق و شغف کودکان بنا نهد، باید دانست، منطق با حقیقت تعالیم آسمانی گام برمی‌دارد. معرفت، کیفیت‌گرایی را از انسان طلب می‌کند و انسان در طبیعت، زندگی باکیفیت‌تری دارد و با یافتن نقش خود در هستی، به منظر منحصر به فرد خود نزدیک‌تر می‌شود. در کتب آسمانی تأکید شده است، دنیا بازی است. وجه

تشبیه زندگی و بازی در آن است که هر دو ظاهری دارند و باطنی و مقصود اصلی، ظاهر نیست، بلکه باطن اولویت و اهمیت دارد. مقصود از بازی فوتبال، تصاحب توپ نیست، گرچه ظاهر بازی، تلاش چندین نفر برای رسیدن به یک توپ باشد. اما باطن آن ورزشی، رشد عصبی، تمرکز، سرعت عمل و هزاران ثمره دیگر است که در پس این تصاحب توپ، حاصل می‌شود. اگر بنیان یک نظام آموزشی بر بازی باشد، یعنی یکی از بزرگترین حقایق هستی، کشف شده است. تجارب انسان همه در بازی رخ می‌دهد و طراحی یک فضای آموزشی جدی و به دور از بازی، جز تخریب روحیه کودکان و خشک شدن چشمه خلاقیت

## تجربه طبیعی، حق کودکان است

## آیا مدرسه طبیعت، یک عقب‌گرد است؟

علم در نهایت باید به معرفت منتهی شود. معرفت بدون تجربه

شخصی و ادراک عملی، معنایی ندارد. طبیعت، شفاف‌ترین واقعه‌ای است که به تجربه عمیق معرفتی می‌انجامد. بدون دیدن تجلیات الهی، چه حیرت و اشتیاقی برای پرسش در وجود انسان شکل می‌گیرد؟ برای درک حقیقت وقایع باید تجربه واقعی داشت. با تجربه مجازی، راه به واقعیت هم نخواهیم یافت. آنچه در نظام آموزشی ما موخته می‌شود، شبیه تعریف کردن داستان یک فیلم است. هرگز کسی که قصد دارد یک فیلم را در سینما تماشا کند، حاضر نمی‌شود کسی داستان فیلم را برایش تعریف کند. اکنون در نظر بگیرید برای همراهی با گروه سازنده فیلم دعوت شده‌اید. آیا این تجربه را با تماشای فیلم در سینما عوض خواهید کرد؟ وقتی کودک برای تجربه به طبیعت قدم می‌گذارد، مانند آن است که تمام صحنه‌هایی که دیگران در فیلم می‌بینند را خودش تجربه کرده است. این سطح از آموزش را مقایسه کنید با نظام آموزشی ما که بیشتر از ۸۰ درصد کتاب‌های درسی آن حاوی متن توصیف تجربه‌های عملی است، یعنی کلاس‌های ما دو گام عقب‌تر از کلاس‌هایی است که در طبیعت برگزار می‌شود و یک گام عقب‌تر از آن نظام آموزشی است که ۸۰ درصد از عکس و فیلم استفاده می‌کند. در حقیقت، معرفت نظری با آموزش تئوری برابری دارد و ادراک معرفتی در عرفان عملی با تجربه مدرسه طبیعت.

همچنان که دین با آزادی آغاز می‌شود، نه اکراه و اجبار، دانش‌آموزی نیز با ره‌های شروع می‌شود. عمیق‌ترین تجربه‌های کودکی، دور از چشمان مراقب والدین و معلمان رخ داده است. زیر نگاه مراقب یا نظاره و خودنمایی شکل می‌گیرد، یا اضطراب. کودکان دیروز، خلوتی به مراتب بیشتر از کودکان کنونی دارند و این یعنی قاعده. پژوهشی مستقل پیرامون این که ما به راستی با ذهن و روان و ناخودآگاه کودکان خود چه می‌کنیم، میزان اعتقاد ما به حرمت انسانی و رعایت حقوق کودکان را تعیین می‌کند.

در مدرسه طبیعت، کودک می‌تواند به تنهایی و دور از نگاه سنگین مراقب، مشغول تجربه‌های خود باشد. خالق هستی از رگ گردن به ما نزدیک‌تر است، اما این عالم چنان طراحی شده است که ما خود را تنها و ره‌های یابیم. این سازوکار محیطی آموزش و آزمایش است که خالق به ما می‌آموزد. تنهایی، تجربه باشکوهی است که پایه تمامی تجارب به شمار می‌آید. انسان تنها به دنیا می‌آید، به تنهایی می‌اندیشد و تصمیم می‌گیرد و تنها خواهد رفت. اما انسان امروزی بیشتر اسیرو وحشت تنهایی است و حقیقتاً تنهایی، این موهبت